

## گریختن در مه



«گریختن در مه» اثری است از محمد فتحی، که در آن به زندگی، شعر و غزلیات حسین منزوی پرداخته می‌شود. فتحی در کتاب خود منزوی را از زاویه دید دیگران و بنا بر نقل افراد گوناگون به تماشا نشسته است، کتاب‌های او و ویژگی‌هایشان را مورد بحث قرار داده، شعرهای او و وجه گوناگون شاعری‌اش را بررسی کرده و موسیقی و شیوه بیانی شعرش را مورد توجه قرار داده است و در نهایت کتابی شایسته در شعر و شناخت منزوی.

## شوکران نوش غزل



این کتاب نقد و تاملی بر شاعرانگی منزوی است نوشته سالار عبدی که از سوی انتشارات سیب سرخ منتشر شده. این کتاب پژوهشی به شاعرانگی بسیط منزوی می‌پردازد و به این بهانه، سیر و سلوک شعر معاصر را از جنبه‌های مختلف با فرمت آکادمیک مورد بررسی قرار داده است. در این کتاب به صورت تحلیلی، مضامین شعری منزوی استخراج و با لحاظ قراردادن کلیه صناعات ادبی در ابیات شعری وی بسط داده شده...

## شعر زمان ما



کتاب چهاردهم «شعر زمان ما» به منزوی اختصاص دارد. فیض شریفی در سری جدید به روش نویسنده پیشین با روش و دیدی علمی و مدرن، با واکاوی و جست‌وجوی برگ‌های ادبیات معاصر، ضمن تحلیل و نقد اشعار هر شاعر، به‌گزینی از سروده‌های اثرگذار شاعران پرداخته است. کتاب حاضر شامل دو بخش مقدمه و بدنه دارند که در بخش اول به سبک و زندگی‌نامه منزوی و بخش دوم به گزیده‌ای از آثار او پرداخته شده است.

ادبی (تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز و بدیع) و فکری (مضامین و محتوای اشعار) می‌تواند رهگشا باشد. در واقع می‌توان گفت منزوی پخته‌ترین شعرهای خود را در عرصه غزل در مجموعه «از کهریا و کافور» ارائه داده است. این مجموعه شامل ۹۷ غزل است که بخشی از این غزل‌ها در کتاب «با سیواش از آتش» منتشر شده بود این کتاب شامل دو بخش است که در سال ۱۳۷۷ منتشر شد.

از بارزترین ویژگی زبان شعری منزوی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

**بهره‌گیری از زبان نمادین:** در شعرهای سیاسی اجتماعی منزوی شاهد سمبل‌ها و نمادهای خاصی هستیم که شعر را از ابعاد زمان و مکان فراتر می‌برد.

**به کارگیری واژگان امروزی:** یکی از خصوصیات غزل نو استفاده از واژگان امروزی است. منزوی در اشعار خود از کلماتی مانند جلیک، عروسک، چکاوک، حوله، مترسک، دماسنج، بادبادک، آلونک و... استفاده کرده است.

**استفاده از اصطلاحات و واژگان خاص علوم ادبی و ریاضی:** نمونه‌هایی از این اصطلاحات خط، موازی، جمع و منها، مسند، مسندالیه و... است.

**ترکیبات تازه و بدیع:** در شعر منزوی ترکیب‌های تازه‌ای به چشم می‌خورد که باعث زیبایی و تمایز شعر او شده است. ترکیباتی مانند جلگه‌های تخدیر، جلد چرکین تقاعد، بختک زلزله، سکنه سکون، خورشید پرتقالی، زباله‌های بلا و...

**هنجار گریزی نحوی:** از مشخصه‌های شعر منزوی نادیده گرفتن قواعد نحوی و خلاقیت در زبان است. از جمله می‌توان به ترکیباتی مانند بیکران کوبر، زیباترین تر، همیشه‌ترین، گس‌ترین و... اشاره کرد. **گرایش به زبان آرکانیک:** منزوی به خوبی توانسته است کلمات امروز را با زبان آرکانیک در شعر خود به‌گونه‌ای استادانه استفاده کند. این «هنجارگریزی زمانی» در شعر شاعران نوپردازی مانند نیما، اخوان و شاملو بسیار مورد توجه قرار گرفته، اما منزوی اولین کسی است که از آن در سرودن غزل بهره گرفته است. نشانه‌هایی از زبان آرکانیک در شعر منزوی مانند طره، حصه را (برای)، موبین و...

**استفاده از واژگان و اصطلاحات زبان گفتار:** این شگرد، که «هنجارگریزی سبکی» نام دارد، در شعر منزوی به‌وضوح دیده می‌شود، عباراتی مانند پایه‌پاکردن، گرم کاری بودن، سَرسری، پاک از دست رفتن، دل به دریا زدن، و...

**آفرینشی واژه‌های جدید:** یکی از ابزار قدرتمند شعر آفرینی، واژه‌سازی است. منزوی تبحر خاصی در این موضوع دارد. عباراتی مانند سبزابی، خورشیدور، دریاگذر، دریاچمن، وسوسه‌بو، غزل بانو، همیشه‌وار، لیلیانه، شباشب و...

**عدم محدودیت تعداد ابیات غزل:** منزوی معتقد بود غزل امروز نباید موقعیت و تعداد ابیات باشد و حرف من هر جا تمام شد غزل هم همانجا تمام خواهد شد. چه عیبی دارد که غزل سه و چهار بیتی هم داشته باشیم یا غزل شانزده و هفده بیتی.

**ایجاد بندهای مختلف در غزل:** در برخی از غزل‌های منزوی، مصراع‌ها مانند شعر نوزیم هم نوشته شده و وجود علامت مربع بین ادبیات به واسطه عوض شدن فضای شعر باعث تشکیل بندهای مختلف شده که به مانند کات‌ها یا برش‌های وسط فیلم است.

**دوری از تخلص:** عدم ذکر تاریخ و مکان سروده شدن غزل، سرودن غزل عامیانه، توجه به شکل ذهنی و ارتباط عمودی شعر، از مشخصه‌های بارز اشعار منزوی است.

عجب که راه نفس بسته‌اید بر من و باز در انتظار نفس‌های دیگرید از من شما هر آینه، آینه‌اید و من همه آه عجیب نیست کز این سان مکدرید از من نه! در تبری من نیز بیم رسوایی است به لب مباد که نامی بیاورید از من

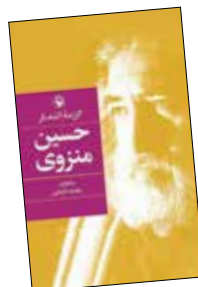
دلیل این بی‌توجهی یا درست‌تر بگوییم کم‌توجهی و کم‌لطفی، شاید دنیای متفاوت منزوی است. نوسان رفتارهای اجتماعی و زیست شخصی نمی‌تواند به تنهایی در نوع قضاوت به آثار یک هنرمند، موثر باشد. این تفاوت در چهره شعر منزوی وجود دارد و لابد در قضاوت در مورد جهان‌بینی یا ایدئولوژی او هم نقش داشته است و بسیاری این تفاوت را، که می‌توانسته به‌عنوان یک مزیت، قلمداد شود را اتفاقاً به عیب کار او تلقی می‌کنند.

زمانی این تفاوت، حُسن محسوب می‌شود، که در معرفی جمع اضدادی که طبایع یک انسان یا کشف یک حال یا موقعیت را شامل می‌شود، موثر باشد، یا دست‌کم، نوسان موضوعی شعر نوعی تلاطم شاعر باشد. قضاوت ما در مورد غزل نوگرایانه منزوی هم باید همین‌طور باشد. منزوی در پی رسیدن به همین جمع اضدادی است که کنار هم آرام‌گرفتن همان طبایع است، اما گاهی این تفاوت‌ها آنقدر بلندبلند فریاد می‌شود که دیگر تفاوت نیست- تناقض است. گاهی چهره یک روشنفکر مآب نوید و گاهی عاشق دلسوخته‌ای که اگر عارف نشده باشد، دست‌کم در محفل عشاق سمعی کرده است.

شاید بهترین وجه، در شعر منزوی، توصیف‌های طبیعت‌گرایانه آن باشد. وجهی که لحظه افتراق و تمایز شعر منزوی از غزل پیش از اوست. هرچند که این نوع غزل پیش از او، باز هم به غزل معاصر تعلق دارد. توصیف‌های طبیعت‌گرایانه در شعر منزوی شباهت‌هایی به وصف‌های شعر و غزل سبک هندی دارد، اما کاملاً مشخص است که مربوط به زمان معاصر است. تعریف غزل در کلمات منزوی به صورتی است که می‌توان واژه‌های دخیل و عاریتی از زبان‌های غیرفارسی را طوری به قامت شعر ردا کرد، که اتفاقاً زیبایی جدید و بدون تجربه پیشین را موجب شود:

خیال خام پلنگ من، به سوی ماه جهیدن بود و ماه را ز بلندایش، به روی خاک کشیدن بود پلنگ من- دل مغرورم- پرید و پنجه به خالی زد که عشق- ماه بلند من- و رای دست رسیدن بود گل شکفته! خداحافظ! اگرچه لحظه دیدارت شروع وسوسه‌ای در من، به نام دیدن و چیدن بود من و تو آن دو خطیم، آری- موازیان به ناچاری- که هر دو باورمان ز آغاز، به یکدیگر نرسیدن بود اگرچه هیچ گل مُرده، دوباره زنده نشد، اما بهار، در گل شیبوری، مدام گرم دمیدن بود چه سرنوشت غم‌انگیزی! که گرم کوچک ابریشم تمام عمر قفس می‌بافت، ولی به فکر پریدن بود

حسین منزوی از شگردهای مختلفی برای تشخیص بخشیدن به زبان شعری خود استفاده کرده است. از همین روی، یکی از راه‌های شناخت شعر او که می‌تواند گامی برای شناخت مختصات سبکی منزوی باشد، بررسی جنبه‌های گوناگون زبان شعر اوست. منزوی با استفاده از زبان، توصیفات، تصاویر و اندیشه‌های تازه در شعر، یکی از نوآوران این عرصه محسوب می‌شود. بررسی ویژگی‌های سبک شخصی شعر منزوی (با تکیه بر غزلیات) به‌عنوان یکی از پیشگامان و پیشاهنگان غزل، در سه حوزه زبانی (آوایی، واژگانی و نحوی)،



منزوی شاعری بود که هیچگاه چه قبل و بعد از انقلاب وابسته به جریان‌های رسمی و غیررسمی شعر نشد، به همین جهت از این دو گروه شاعران مورد حمایت قرار نگرفت تا آن‌جا که به گفته منزوی از نوآوری او در غزل، شاعرانی مانند سیمین بهبهانی و... یاد نکردند یا سعی کردند او را به عمد یا سهوی فراموش کنند. چنان که خود در یکی از غزل‌هایش می‌گوید: مرا ندیده بگیرید و بگذرید از من که جز ملال نصیبی نمی‌برید از من